



چرا امام علی(ع) را رئیس مذهب نمی نامیم؟/ اقدامات امام صادق(ع) که موجب شد شیعه را جعفری بدانیم

5 پرسش مهم درباره مذهب تشیع در ویژه نامه خبرآنلاین به مناسبت سالگرد شهادت رئیس مذهب تشیع، امام صادق(درود خدا بر او باد)

لقب رئیس مذهب شیعه یعنی چه؟

لقب رئیس مذهب شیعه، بدین جهت برای امام ششم شیعیان شهرت یافت که معارف شیعی در دوران ایشان و در سایه تعالیم حضرتش، فرصت انتشار یافت. برای آشکار شدن اهمیت این مجال تاریخی، اشاره ای کوتاه به فشارهای اجتماعی و سیاسی وارد بر امامان پیش از حضرت صادق(علیه السلام) لازم است.

این فشارها گرچه در ابتدا، به عنوان سیاستی راهبردی، از سوی دستگاه های حاکمه تعقیب می شد، اما جو اثرپذیر مسلمانان که به راحتی تحت تاثیر تبلیغات قرار می گرفت بر تنگناها می افزود و البته مصلحت جویی ها و عافیت طلبی ها نیز مزید بر علت می شد.

چرا امام علی را رئیس مذهب شیعه نمی نامیم؟

در میان ائمه(علیهم السلام) امیرالمومنین علی(علیه السلام) به جهت سوابق بی نظیر و توصیه های مکرر رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) موقعیت ویژه ای داشت که لازمه طبیعی آن مورد توجه قرار گرفتن ایشان از سوی مسلمانان بود، اما چنین نشد. بحث بر دور داشته شدن آن حضرت از خلافت نیست بلکه حتی در حوزه های فکری و عقیدتی نیز زمینه ظهور جدی در اختیار ایشان نبود. کدام یک از خطبه های مفصل و مهم نهج البلاغه، در دوران بیست و پنج ساله خانه نشینی امام(علیه السلام) ادا شده است؟

زیرا مردم حتی در دوران حکومت حضرت علی(علیه السلام) نیز تبعیت و انقیاد جدی نسبت به ایشان نداشتند، چه در امور دینی و چه در امور حکومتی. تفصیل این سخن فرصتی دیگر می طلبد. وقتی عرصه بر علی بن ابی طالب چنین تنگ باشد، وضعیت امامان بعدی معلوم خواهد بود، زمانی که با روی کار آمدن بنی امیه و فاصله گرفتن نسل ها از صدر اسلام هرچه می گذرد، کار بر ائمه(علیهم السلام) سخت تر می شود.

در اواخر دوران امامت حضرت باقر (علیه السلام) همزمان با ضعف مفرط بنی امیه، فشارها بر آن حضرت کاهش یافت و شرایط اجازه تشکیل حلقه های درس و بیان حقایق دین و شریعت را به آن جناب می داد، همچنان که آمد و شد اصحاب نزدیک امام (علیه السلام) نیز مقدورتر می گشت. این میراث به امام صادق(علیه السلام) نیز رسید و از آغاز دوران امامت ایشان تا پایان عمر بنی امیه، یعنی سال 132 ادامه داشت.

اصحاب و شاگردان امام صادق چند نفر بوده اند؟

در رجال شیخ طوسی، نام 3223 نفر به عنوان اصحاب امام صادق برده شده است. از حسن بن علی و شاء یکی از اصحاب امام رضا(علیه السلام) نقل شده که گفت: در مسجد کوفه نهصد نفر را دیدم که از جعفر بن محمد(علیهما السلام) حدیث نقل می کردند. (رجال نجاشی/ شماره 80)

البته چنین ارقامی بدان معنا نیست که همه این افراد، به یک میزان مورد وثوق امام(علیه السلام) قرار داشتند، لذا آن حضرت نسبت به عده محدودتری از اصحاب خود، توثیق ها و تجلیل های ویژه نموده و به برخی اجازه می دادند تا در مباحث مختلف وارد میدان شوند و به بحث و حتی مناظره بپردازند. در رجال کشی نقل شده که مردی شامی در مجلس امام (علیه السلام) وارد شد و عرض کرد: شنیده ام که برای هر سؤال پاسخی دارید، پس آمده ام که با شما مناظره کنم. امام(علیه السلام) فرمود: در چه موضوعی بحث داری؟ گفت: در قرآن. امام به حرمان بن أعین فرمود: پاسخ این مرد را بده. مرد شامی خطاب به امام گفت: من می خواهم با خود شما بحث کنم. حضرت فرمود: اگر بر حرمان چیره شدی، بر من غلبه یافته ای. سپس در آن جلسه زراره بن أعین در فقه با مرد شامی مناظره کرد، هشام بن سالم در توحید و هشام بن حکم در امامت و مومن طاق نیز در پاره ای امور اعتقادی. (بحار 407/47)

آیا امام صادق(علیه السلام) در مورد معنا و مفهوم تشیع و چیستی آن، مطالبی فرموده یا خیر؟

پس از این مقدمه، به موضوع اصلی مورد نظر می پردازیم و آن را با سؤالی آغاز می کنیم: آیا امام صادق(علیه السلام) با توجه به فرصت ویژه و بی سابقه ای که پس از گذشت بیش از یک قرن از تاریخ تشیع برای ایشان حاصل شد، در مورد معنا و مفهوم تشیع و چیستی آن، مطالبی فرموده یا خیر؟ پاسخ یقیناً مثبت خواهد بود. مگر ممکن است امام در موضوعات فقهی، چنان فرمایش های متعدد و تعالیم فراوانی بیان کرده باشند که متون فقهی ما به طور عمده بر محور سخنان آن حضرت (و پدر گرامی شان) قرار یافته، آنگاه در باب مسائل عقیدتی که پایه و اساس دیانت است، مطالبی قابل توجه و مبنایی نفرموده باشند؟

طبیعتاً همان گونه که در فقه، نقلیات کمتری از چهار امام اول حتی امیرالمومنین(علیه السلام) در مقایسه با امامان پنجم و ششم وجود دارد، در اعتقادات نیز مطالب نقل شده از آن دو امام، به ویژه امام صادق به مراتب بیشتر است، لذا نمی توان در ارائه تعریف از تشیع سخنان امام ششم را لحاظ ننمود. امامان یک سلسله متصل به رسول خداوند که سخن شان یکی است و مرام واحدی را معرفی و ترویج می کنند. چنان که از امام صادق(علیه السلام) نقل است: «سُئِلَ عَنْ سَخْنِ مَنْ، سَخْنٌ بِدَرْمٍ وَ كَلَامٍ بِدَرْمٍ، كَلَامٌ جَدُّ مَنْ وَ أَنْ كَلَامُ حُسَيْنٍ وَ... سَخْنٌ رَسُولُ خَدَا(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) اسْتِ كِهْ سَخْنُ خَدَايَ مُتَعَالِ اسْتِ.» (کافی 53/1) اما بی توجهی به شرایط ویژه و سخت زمانی امامان در القا و بیان این مرام و منظومه اعتقادی، خط بزرگی است.

شاگردان امام صادق(علیه السلام) از سخنان و تعالیم ایشان مکتوباتی را تالیف کردند که اصول نامیده می شود و به تعبیر میرداماد «حدود چهارهزار شاگرد در محضر امام صادق(علیه السلام) بودند که کتب و تالیفاتشان فراوان بوده اما تعدادی که اعتبار آنها مقبول قرار گرفت و مورد اعتماد واقع شد، اصول چهارصدگانه نامیده شده است.» (الذریعه 130/2) در مورد اعتبار این مجموعه های روایی، دانشمندان علم حدیث سخنان فراوان گفته اند. میراث حدیثی امام صادق(علیه السلام) در فاصله زمانی پس از ایشان تا حدود دو قرن بعد که تالیف کتب جامع روایی آغاز شد، از سوی امامان بعدی نیز تقویت شد و البته طبعاً این میراث در معرض آفات خاص خود نیز قرار داشت. سخن در این است که آیا هیچ اثر و ثمری از آموزه های آن امام بزرگ، در تعریف تشیع و بیان چارچوب های آن به ما نرسیده است؟ آیا روشنفکران ما می توانند بی نیاز از این مجموعه به ارائه مفهوم تشیع اقدام کنند؟

هرقدر هم که کسی در میزان اعتبار میراث حدیثی شیعه تردید و یا حتی غلو کند، امکان نادیده گرفتن و ناچیز انگاشتن آن مبنای علمی را ندارد.

مهمترین فعالیت های امام صادق(ع) چه بود که موجب شد او مذهب شیعه را جعفری بنامیم؟

کاری که امام صادق(ع) انجام داد، بسیار بدیع و اندیشیده بود. با استفاده از زمینه مناسبی که امام باقر(ع) فراهم آورد و هسته اولیه علم و تدریس را پایه گذارده بود، شروع به فعالیت فرهنگی کرد.

سازماندهی فکری مکتب:

مجلس درس تشکیل داد و در آن به شاگردان فهماند که ماچه می گوئیم. نظر ما در دین و مذهب چیست؟ از آیات قرآن چه برداشتی داریم. در طول حیات پربارش بزرگترین مکتب فقهی را بنا نهاد. تکیه اصلی او بیان اندیشه اسلام بود. بخش مهمی از احادیث و علوم قرآنی را براساس شیوه علمی عرضه کرد و حدفاصل فرقه های گوناگون را برشمرد و نشان داد که کدام فرقه تا کجا درست و استوار سخن می گوید و در کجا راه باطل را می پیماید.

زیرا وابسته به امام صادق(ع) و حاصل تلاش ها و برنامه های او بود یعنی آنچه را که امامان پیشین مورد عمل قرار داده بودند او آنها را به ثمر رساند. مذهب جعفری مکتب امام علی (ع) نبود و مکتب علی علیه السلام همان اسلام راستین است و جرح حضرت علی (ع) کیست که اسلام را بهتر و کامل تر از علی بشناسد. او همگام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و وصی و برادر او بود. زندگیش سراسر در کنار رسول الله گذشته بود.

او مکتب شیعه را که همان اسلام راستین است معرفی کرد. خطوط فکری آن راعرضه و شاگردان را تشویق به تدوین کرد. برپایه تشویق او اصول اربعماء تنظیم شدو براساس آن تشیع شکل و سازمان خود را نشان داد. او نشان داد تشیع هم مذهب است و هم حکومت و بین این دو جدایی نیست. روش شیعه روش اهل بیت علیهم السلام است.

تشکل و وحدت افراد

خدمت دیگر او تربیت شاگردانی بود که هرکدام در رشته ای از علوم صاحب نظر بودند. او کوشید در عرصه حیات اجتماعی لااقل درسطحی محدود در مرز شاگردان خود اخلاق راحکومت دهد. دست پرورده های اوکه بعداً در گوشه و کنار کشور اسلامی به فعالیت پرداخته بودند موقعیت خود و روش حیات اسلامی را دریافته و آن را در جامعه ترویج می کردند. او حتی در مواردی بصورت عملی مردم را به وحدت و اخلاق می خواند و درگیری های آنان را از میان می برد.

گشودن باب اجتهاد

او تحرک خاصی در دنیای علم و فقه پدیدآورد و شاگردان خود را وادار کرد که شیوه تحقیق و بررسی و استنباط را بکار گیرند و از قیاس برحذر باشند. او با پایه گذاری فقهات و فهم و صورت درسی دادن به مسایل باب مباحثاتی عظیم و پردامنه را گشود و با روشی که تعلیم می داد از آیات قرآن، احکام و قوانین اسلام را بیرون کشید. او باب اجتهاد را بازگذاشت و قانون آزاداندیشی را ترویج کرد و فرمود: 171#& اگر مجتهد در استنباط و اجتهاد خودبه حق برسد. برای او دو پاداش است و اگر راه استنباط او درست باشد و آنچه که بدست آورد منطبق باحق عندالله نباشد باز هم برای او اجر استنباط وجود دارد»

توجه دادن به اهل بیت (علیهم السلام)

حق اهل بیت علیهم السلام درهمان روزهای اولیه وفات پیامبر از دست رفته بود و بتدریج که از روزگار حکومت زمامداران می گذشت در سایه القائات و دشمنی ها حقوقشان بیش ازبیش فراموش شده و ارزش و اعتبارشان کم رنگتر می شد. در عصر بنی امیه سعی براین شد که اهل بیت را به فراموشی بسپارند و همین کار را انجام دادند. کار امام صادق(ع) احیای اهل بیت علیهم السلام و توجه دادن عامه به سوی آن بود. در مردم این درک و اندیشه پدید آمدکه تجدید نظری در این زمینه باشند و این محصول تلاش امام بود که دربین جامعه علمی و فقهی آن روز توانست این برجستگی رابه اثبات رساند و خود بعنوان فردشاخص اهل بیت علیهم السلام در عصر امامت درخشندگی هایی داشت و در نهایت در سایه زحمات امام افکار اسلامی و خط صریح و صحیح آن از نو متجلی گردید.

منابع: گلچین از کتاب مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی و کتاب استاد جواد محدثی